

\*\*\*\*\*

## پیشتازان جامعه و کالت

فرانسیس لی بیلی<sup>۱</sup> وکیل طراز اول کیفری امریکا

\*\*\*\*\*

در نهاد انسانها استعداداتی نهفته است که صاحبان آن ندره آنرا درک و یا مورد استفاده قرار میدهند. همانطور که انسانی از نظر فیزیولوژیک بتمام جهت اندامی مادی خود بصیرت آنچنانی ندارد و حتی کسانیکه واقف بدانش جسم هستند (اطباء) خود غافل از رویدادهای داخلی خویشند به همانطور و صدچندان بیشتر مردم از نیروهای معنوی و باطنی خود غفلت زده‌اند بنا براین کسانیکه میخواهند خود را در معرض انتخاب راه و رویه‌ای قرار دهند لازمترین و ناگزیرترین راه آنستکه در طریق رهروان دقت کنند و با سنجش استعدادات خویشان با معیارهای وجود آنها خودآزمایی کنند تا راه برگزیده را با کامیابی پایان برند. روان انسانی چون گنجی از شایستگیهای شگرف است که اگر در راه درست بدان دستیابی شود آثار شگفت‌انگیزی از آن بروز خواهد کرد و گاه برای شکوفائی و ظهور این قدرت عظیم جرقه خردی کافی است که خاکستر از چهره آن بزداید و آن دریای عظیم را برسطح زندگی مردان یا زنان جاری کند. گاه این دریای خروشان درونی باندازه‌ای طفیانگر است که دارنده آنرا غرق و زمانی او را باوج سربلندی و افتخار میرساند. چندی پیش مجله نیوزویک درباره بیلی نوشت او برترین وکیل در دادرسیهای حساس قرن است. با قیافه‌ای درخشان بی‌پروا او را باید افسونگر زمان دانست. روزگار شاهد کهنسال کردار انسانها است. که اعمال و شاهکارهای آنها را در دفتر خود ثبت میدارد. تکرار کرده‌ها و گفته‌های پیشتازان این اثر را دارد که افراد وجود خود را با محک اعمال آنها می‌آزمایند و راهی که شایسته قهرمانان است از آنها می‌آموزند.

زندگی چنین مردمی میتواند برای نوجوانان که تازه قدم در راه ارجمند و کالت دادگستری مینهند آموزنده باشد.

1) Francis Lee Bailey

لی در خاطرات خود چنین آورده:

ویژگی من در امور کیفری نحوی سرکشی شغلی در من آفریده زیرا سیستم کیفری آمریکا چنین پایمردی شورشگرانه‌ای را اقتضا دارد. اگر وکیل از این راه وارد نشود وای پروزگار موکل او است. آموزگار در کلاس بدانش‌آموزان میگوید ما منزه و پاکیزه‌ترین سیستم عدالت کیفری را در جهان داریم مریبان و پیشوایان ما سالها است چنین آهنگی را بگوش ما میخوانند و اغلب مردم ناچار آنرا باور دارند. من عده بیشماری از اینگونه مردم را می‌بینم. آنها با روانی پر از خشم و آشفته‌گی و ترس بدفتر می‌آیند و می‌گویند: «کیفر خواست نادرستی بزبان من صادر و نسبتهای خلاف واقعی در آن بمن داده شده من بشما حق‌الوکاله قابل ملاحظه‌ای میدهم ولی انتظار دارم هرچه زودتر برائت من از این اتهام اعلام شود».

من اغلب بچنین ساده‌لوحانی می‌گویم که چون آنها وقت زیادی برای خواندن مطالب نادرست درباره سیستم کیفری در روزنامه‌ها و دیدن فیلمهای پری میسن صرف میکنند در نزد خود چنین میانگارانند که برای پیش‌برد مقاصد خود یکنفر جادوگر را بجای وکیل انتخاب کرده‌اند. در دنباله بحث اغلب بآنها می‌گویم: «شما فکر میکنید که بیگناهی خود را مانند يك حقیقت باید از دل احتمالات دادرسی بیرون کشید؟» پاسخ آنها بی‌تردید باین پرسش مثبت است. جواب من باین گفت و شنود آنستکه تبرئه آنها نه تنها در حد تضمین قرار ندارد. بلکه با گردش گردونه عدالت بطور تصاعدی برائت دورتر از دسترس قرار میگیرد. از اینجاست که یکنفر وکیل دفاع جزائی باید مانند يك عصیانگر پیوسته در پایکوبی و تحرك باشد تا بتواند دستگاه را بکار وادارد. من یکبار بیک خبرنگار گفتم: «وکیل دعاوی مانند يك جنگنده مزدور است و نزدیکترین واژه‌ای که میتوان بر او اطلاق کرد «نوگرا» و تجدید نظرطلب» است بهمین دلیل هم هست که بهترین وکلای کیفری «تک‌روان» هستند باید گفت وکلای امروزی شکل تکامل یافته و پیشرفته قهرمانان قزون وسطائی میباشند.

داستان زندگی گذشته من در عبور از گذرگاههای تنگ و پیچاپیچ پر غبار خلاصه میشود. درباره ترجمه احوال من برای رسیدن بواقعیات زندگی نباید زیاد بتفصیل پرداخت. من مردی سی و هفت‌ساله هستم (در سال ۱۹۷۱) اما خود را در سن شصت و هفت سالگی میدانم من هرگز تعطیل بعنوان بیکاری را در زندگی خود درك نکرده‌ام. زیرا عدم اشتغال بکار مرا رنج میدهد. مرکز کارگاه وکالت ۲ من در بستن ۴ واقعت ولی شعب و وابستگان این کارگاه تقریباً در همه ایالات کشور آمریکا گسترش دارد. بیشتر آنگونه از دعاوی جلب نظر مرا میکند که یا حاروی نوعی حماسه حرفه‌ای و یا حق‌الوکاله آن قابل ملاحظه باشد. دلچسب‌ترین دادرسیها

2) Perry Mason

3) Law Firm

4) Boston

بنظر من آنهایی است که جنبه حماسی و مبارزه طلبی آن غلبه داشته و در جهت پیشرفت نظام دفاع اثر بگذارد. بدیهی است اغلب بر ملاکردن نارسائیهای قانون و لزوم تجدیدنظر در نقاط ضعف آن بیشتر مورد نظر میباشد. حق الوکاله ما تقریباً از صفر تا یک میلیون دلار (تقریباً هفت میلیون تومان) نوسان دارد (اخیراً چنین صورتحسابی برای یکی از موکلین فرستادم و بزودی وجه آنرا دریافت خواهم کرد) تقریباً سی درصد از حق الوکاله از دست میرود بدین معنی که یا موکل بواسطه عدم توانائی از زیر بار آن شانه خالی میکند و یا هزینه هائی که انجام مقصود بر میدارد برحق الوکاله میچربد. چنانکه در محاکمه کاپیتان ارنست مدینا<sup>۵</sup> چنین موضوعی پیش آمد و بواسطه عدم توانائی در پرداخت حق الوکاله تنها بدریافت هفتاد و یک دلار که دولت از این بابت پرداخت اکتفا کردم.

نکته ای درباره دست یافتن من براه درست دفاع کیفری نیز باید گفته شود و ضمناً این موضوع را نیز ناچار اعتراف میکنم که سر کامیابی من نیز در این نکته نهفته است. هنگامیکه دوره دبیرستان طی شد و در دانشگاه هاروارد پذیرفته شدم. خود را برای نویسنده گی آماده کرده بودم. در این هنگام شانزده ساله بودم ولی بدبختانه «و شاید هم خوشبختانه» توانائی آکادمیک را برای وصول بمقصد در خود ندیدم. با گذشت دو سال و اخذ درجه «جنترلن ث<sup>۶</sup>» به نیروی دریائی پیوستم و خود را برای فراگرفتن فن خلبانی نیروی دریائی آماده کردم. دو آزمایش دیگر در این زمان بر سر راهم قرار گرفت که مرا خود بخود از دایره ادبیات بسوی حقوق سوق داد. اولین مطالعه کتاب «هنر وکالت» نوشته لوید پول استرایکر<sup>۷</sup> وکیل دفاع گرانقدر نیویورک بود که در تعطیلات کریسمس توفیق آن نصیب شد. این کتاب که وکیل دفاع را در موضع نامناسبی قرار داده است در عین حال استعدادات او را در بازجوئی از شهود بعد اعلی پرورش میدهد. تا آنزمان هیچ کتابی باندازه آن برای من شیرین و خواندنی نبود و تاکنون همچنان در خاطره من نظر ربا و قابل ملاحظه برجای مانده است. دومین آزمایشی که در آمادگی من برای وکالت مؤثر واقع شد ورود به نیروی دریائی کشور آمریکا بود. که پس از اتمام تحصیل بعنوان خلبان نیروی دریائی بآنقسمت انتقال یافتم. شغل مورد نظر در مرحله اول خلبانی هواپیمای جت بود و بدینمظور مرا بناحیه چری<sup>۸</sup> در ایالت کارولینای شمالی انتقال دادند و در مرحله دوم اشتغال در دفتر حقوقی نیروی دریائی مورد توجه من بود. در این اداره بعنوان معاون رئیس برگزیده شدم. درست در این هنگام افسری که رئیس اداره حقوقی بود در اثر سانحه هوائی درگذشت این بود که بناگاه ستوان بیلی خود را در جایگاه ریاست دفتر حقوقی نیروی دریائی یافت برای دو سال و نیم دیگر (در سال ۱۹۵۶ از شغل مزبور

5) Captain Ernest Medina

6) Gentleman's C'S

7) The Art of Advocacy by Lloyd Paul Stryker

8) Cherry Point North Carolina

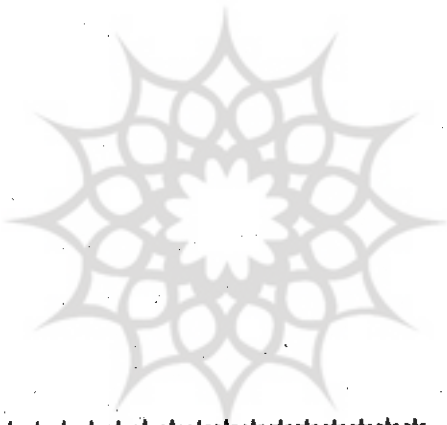
مستعفی شدم) در موضوعات گونه‌گونی از عده دفاع و گروهی را متهم کردم و آنها را تحت مهمیز بازپرسی قرار دادم. با وجودیکه من در چهارچوب نیروی دریائی ارتش محصور بودم معذالك باعتبار دعاوی حقوقی که در رهرو کارهای نیروی دریائی قرار میگرفت علم اجمالی بمقررات و قوانین عمومی و غیرنظامی برای من حاصل شد. در کشاکش دادرسیهایی که در دادگاههای عمومی انجام مییافت با یکی از وکلای دادگستری محلی بنام آقای هاروی همیلتن<sup>۹</sup> آشنائی یافتم که او اولین و بهترین آموزگاری بود که تا آن هنگام بخود دیده بودم در دفتر هاردی کارهای مقدماتی که کنکاش درباره آن لازم بود بعنوان نوآموز برعهده گرفتم من دعاوی او را در مراحل اولی پیش از طرح میدیدم و در دادگاهها بعنوان دستیار با او شرکت میکردم هنگامیکه اندیشه خود را برای برگزیدن فن وکالت بهاروی گفتم او ضمن تأیید انگاره من يك اندرز بمن داد که گمان میکنم باید آنرا برای هرکس که چنین انگیزه‌ای دارد بازگو کرد: «هرکس چنین اندیشه‌ای دارد باید خود را برای آن تربیت کند مدارس حقوق همه‌چیز را بدانشجویان میآموزد غیر از آنچه تربیت وکیل دفاع مورد نیاز میباشد حقیقت اینستکه فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های حقوق تنها اندکی بیش از دانسته مردم معمولی از موضوع دفاع میدانند. چیزی که برای يك جوان پس از اتمام تحصیل کمال لزوم را دارد آنستکه او باید حتماً محضر یکنفر وکیل حرفه‌ای را درك کند در صورتیکه برای این ملازمت و اخذ تعلیم پرداخت وجهی نیز لازم باشد باید پردازد اگر ضرورت ایجاب کند باید از حضور در کلاسها کاست و بحضور در دادگاهها افزود.»

در سپتامبر ۱۹۵۷ مطالعه رسمی را در دانشکده حقوق دانشگاه بوستن<sup>۱۰</sup> آغاز نهادم بموازات ادامه درس در کلاسهای روزانه کاری که خود آنرا «خدمات تحقیق مقدماتی» نامیدم شروع کردم این اولین قدمی بود که باید در راه تحقق بخشیدن باندرز هاروی بردارم. زیرا مناسب ندیدم بگروه خدمات مجانی وکلای دادگستری بوستن پیوندم. شگفت‌انگیز آنکه دستگاه وکالت دفاع شهر بوستن تا آنوقت در راه تحقیقات مقدماتی قدمهای ناچیزی برمیداشت. در چنین شرایطی خدمات تحقیق مقدماتی موفقیت چشمگیری یافت. عوائد حاصل از این خدمات تا حد زیادی پیشرفت آموزش من کمک کرد و مکملی برای مطالعات دانشگاهی من شد هر وکیلی که پذیرای خدمات مقدماتی من میشد بعنوان کاوشگر در تمام مراحل رسیدگی دعوی دوش بدوش او میرفتم در این رهرو بود که صفت ویژه «دلایل واطلاعات» را بهتر از هر آموزشگاهی درك کردم. معنی تحقیقات خوب و بد و گزافه‌گوئیهای بی‌مورد و بمرورد نیز از جمله مکاشفاتی بود که در این مرحله برای من دست داد. و بزرگترین چیزی که دستگیرم شد این بود که مهمترین عامل پیشرفت دعوی همان تحقیقات و کاوشگریهای اولیه و مقدماتی است که هیچ عامل دیگری نمیتواند

9) Harvey Hamilton  
10) Boston University

جایگزین آن گردد. استعداد و لیاقت وکیل گرچه در پیشرفت دعوی مؤثر است ولی اغلب و بیشك برگ برنده در دست وکیلی است که آمادگی بیشتری داشته و دلائل فزونتري گردآوری و بدادگاه عرضه میدارد. بالنتیجه حضور در اداره ای که اشتغال در آن برای دانشجویان نیمروز نوعی تن بقضا دادن بود امروز بصورت آبرومند و پر مشغله ای درآمد و دانشجویان با اشتیاق تمام برای بدست آوردن شغلی در آن سرو دست میشکنند اینگونه تحقیقات مقدماتی در حقیقت بمنزله ستون فقرات دادرسیهای کیفری است. بجرأت میتوان گفت که تحقیقات مقدماتی مفروضات اولیه دعوی را بصورت موجهی درآورده و بدادگاه عرضه میدارد. از گفتن این نکته نیز ناگزیرم که در آغاز حال اینعمل را یکنوع تسریع برای انجام کار فرض میکردم ولی امروز بچشم خود میبینم اینگونه تحقیقات دادرسیها و حتی خود مرا با شتاب زیادی بسوی موفقیت در مقصود سوق میدهد و نفس عمل این ویژگی را دارد که کامیابی را هرچه بیشتر سهل الحصول میدارد. من از اینکه لی بیلی هستم بخود می بالم.

۵۴/۴/۱۷



\*\*\*\*\*  
\*\*\*\*\*  
\*\*\*\*\*

پژوهشگاه علوم انسانی  
رتال جامع علوم انسانی